

Social monitoring in religious hey'ats and their role in crime prevention

Salman Emrani¹
Hamed Zare Shahne²

With regard to crime in human societies, "crime prevention" is considered to be the most important strategy for combating crime and crime, which is of utmost importance among various preventive measures and its types, "social prevention of crime". In social prevention, the causes and factors of crime, including the causes and factors of economic, social, cultural, etc., are investigated and their purpose is to prevent the emergence of thought and criminal decision in the minds of individuals that special attention to this type of prevention Institutions and social groups such as family, school, peer group, etc. Among these institutions and social groups, Religious hey'ats have many capacities and functions that, unfortunately, have been somewhat neglected.

Religious hey'ats, as a social institution of the people, can, in the case of "correct explanation" and "adherence to certain principles," by liberating their capacities and operating their functions, have a special place in crime prevention, and vice versa; if this institution correctly It can not be explained or adhered to the principles governing it, and it can cause distortion and distortion. In this paper, social monitoring is described as one of the main functions of religious hey'ats that has an effective role in preventing crime, and has been dealt with in various aspects and how it functions in prevention. It should be noted that religious hey'ats have many functions that are addressed here only to its main function.

Keywords: Religious hey'ats, Crime Prevention, Social Supervision, Social Institutions, Faithful Society

¹ Assistant Professor, Faculty of Law, Imam Sadegh University

emraniisu.ac.ir

² Master of Criminal Law and Criminolog(Corresponding Author)

miad1388@gmail.com

نظارت اجتماعی در هیئت‌های مذهبی و نقش آن در پیشگیری از جرم

سلمان عمرانی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

حامد زارع شهنه **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

چکیده

با توجه به فراگیری جرم و بزه در جوامع بشری، "پیشگیری از جرم"، مهمترین راهبرد جهت مبارزه با بزه و جرم قلمداد می‌شود که از بین تدابیر مختلف پیشگیری و انواع آن، "پیشگیری اجتماعی از جرم" اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در پیشگیری اجتماعی، علل و عوامل جرم‌زا اعم از علل و عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد و هدف از آن، جلوگیری از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد است که توجه ویژه این نوع از پیشگیری به نهادها و گروه‌های اجتماعی همچون خانواده، مدرسه، گروه همسالان و ... است. از بین این نهاد و گروه‌های اجتماعی، هیئت‌های مذهبی ظرفیت‌ها و کارکردهای بسیار زیادی در این زمینه دارد که متأسفانه تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته است. هیئت‌های مذهبی؛ به عنوان یک نهاد اجتماعی مردم نهاد، در صورت "تبیین صحیح" و "التزام به برخی اصول" می‌تواند با آزادسازی ظرفیت‌ها و عملیاتی‌نمودن کارکردهای خود، جایگاه ویژه‌ای در پیشگیری از جرم داشته باشند و بالعکس؛ چنانچه این نهاد به درستی تبیین نگردد و یا به اصول حاکم بر آن پایبند و ملنزم نباشد، می‌تواند موجب کجروی و انحراف نیز بگردد. در این مقاله؛ نظارت اجتماعی به عنوان یکی از کارکردهای اصلی هیئت‌های مذهبی که نقش مؤثری در پیشگیری از جرم دارد، تبیین شده و به ابعاد گوناگون و نحوه چگونگی این کارکرد در پیشگیری پرداخته شده است. لازم به ذکر است هیئت‌های مذهبی کارکردهای زیادی دارند که در اینجا فقط به یک کارکرد اصلی آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: هیئت‌های مذهبی، پیشگیری از جرم، نظارت اجتماعی، نهاد اجتماعی، اجتماع مؤمنانه

مقدمه

پدیده مجرمانه، مسأله‌ای است که جوامع بشری از آغاز با آن مواجه بوده؛ و روزه‌به‌روز گسترده و پیچیده‌تر می‌شده است. بدین منظور، برای مقابله با این پدیده؛ علاوه بر اینکه دولت‌ها و جوامع بی‌تفاوت نبوده‌اند، جامعه جهانی نیز اقدام به تشکیل نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با چنین پدیده‌ای که امنیت و رفاه را سلب می‌کرد، نمودند. اگرچه فلسفه و نوع مواجهه و واکنش دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در برابر پدیده مجرمانه، متفاوت بوده است، اما به طور کلی می‌توان نوع پاسخ‌ها را به دو قسمت تقسیم‌بندی نمود. یکی: کنشی (غیرکیفری) و دیگری واکنشی (کیفری)؛ که مجازات‌های مختلفی که از زمان‌های قدیم گزارش شده است، نمادی از اندیشه ارباب و سزاگرایی محسوب می‌شود.

پیشگیری از جرم، یکی از راهکارهایی است که بشر از همان زمان‌های قدیم در پی آن بوده است، اما مطالعه و بررسی این موضوع به صورت علمی سابقه چندانی ندارد. «جرم‌شناسی در قرن نوزدهم به عنوان علمی نوظهور پا به عرصه علوم گذاشت. در اوایل دهه ۷۰ میلادی بود که "جرم‌شناسی پیشگیری" به عنوان رشته‌ای خاص، در جرم‌شناسی نظری مطرح شد». (جوان‌جعفری، ۱۳۹۱: ۱۴) که به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل پرداختن به روش‌های پیشگیرانه از جرم، «از یک سو ناکارآمدی پاسخ‌های نظام عدالت کیفری و از سوی دیگر افزایش آمار جرایم و نگرانی‌های عمومی» (جوان‌جعفری، ۱۳۹۱: ۱۴) باشد.

فلذا؛ ناکارآمدی رویکرد کیفری برای مقابله با پدیده مجرمانه و کاهش آن، سیاست‌های پیشگیری از جرم را مورد توجه سیاست‌گذاران مختلف این عرصه قرار داده است. «سازمان ملل متحد نیز با توجه به یکی از وظایف خود که مقابله با جرایم است، پیشگیری از جرم را به عنوان یکی از مهمترین سیاست‌های پاسخ‌دهی به جرم مدنظر قرار داده است. از همین رو این سازمان، در اسناد و قطعنامه‌های متعدد خود، بر اهمیت پیشگیری از جرم تأکید نموده است» (جوان‌جعفری، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۵) که می‌توان نمونه‌های آن را طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ با تصویب دو رهنمود: «رهنمود همکاری و کمک‌های فنی در خصوص پیشگیری از جرایم شهری» و «رهنمود پیشگیری از جرم» ملاحظه کرد. آنچه در تدوین برنامه‌های پیشگیرانه حائز اهمیت و تأکید فراوان است،

«ابتنای برنامه‌های پیشگیرانه بر اصول و ارزش‌های جامعه» و «اقتضای آن برنامه‌ها با شرایط بومی هر جامعه» (جوان‌جعفری، ۱۳۹۱: ۱۲) است؛ که این دو شرط در جای‌جای این دو رهنمود؛ علی‌الأخص رهنمود پیشگیری از جرم نمایان است. علت اهمیت این رهنمود از آن جهت است که مهم‌ترین ملاحظاتی که در طراحی و اجرای برنامه‌های کلان پیشگیری از جرم باید در نظر گرفته شود، با بهره‌گیری از تجربیات و عملکردهای گوناگون مناطق مختلف جهان، بیان شده است؛ هر چند در خود این رهنمود ذکر شده است که از آن جهت که مناطق مختلف جهان با چالش‌های متفاوت جرم و بزه‌دیدگی مواجهند، نمی‌توان یک برنامه واحد پیشگیری قابل اجرا در تمام نقاط جهان در نظر گرفت. فلذا؛ باید دولت‌ها و کشورها، با استفاده از این رهنمودها، برنامه‌های پیشگیری از جرم را با فرهنگ، ارزش‌ها و نوع معضل اجتماعی خود، بومی‌سازی کرده و در جهت رفع آن اقدام نمایند.

لازم به ذکر است در پاراگراف اول رهنمود پیشگیری از جرم مصوب ۲۰۰۲، آمده است: «شواهد کافی در دست است که چنانچه راهبردهای پیشگیرانه خوب، طراحی و اجرا شوند، نه تنها از جرم و بزه‌دیدگی پیشگیری می‌نمایند، که میزان امنیت جامعه را بالا برده و به توسعه پایدار جوامع کمک می‌کند. از مزایای بلند مدت برنامه‌های پیشگیری نباید غافل ماند که اجرای آن‌ها از هزینه‌های مرتبط با نظام عدالت کیفری و دیگر هزینه‌های اجتماعی که به صورت غیرمستقیم در اثر ارتکاب جرم متوجه جامعه می‌شود، می‌کاهد». (جوان‌جعفری، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۴) فلذا؛ دولت‌ها می‌توانند با سرمایه‌گذاری بر اقدامات پیشگیرانه و اجرای برنامه‌های بلندمدت، (هرچند نتیجه آن در کوتاه مدت قابل ملاحظه نباشد) از هزینه‌های جرم (چرخه دادگاه و زندان، هزینه‌های مربوط به پلیس، مراکز نظارتی و مراقبتی و ...) بکاهد.

۱. هیئت‌های مذهبی

هیئت‌های مذهبی چنانچه در گفتار پیشین آمد، به عنوان قالبی منسجم و وحدت‌آفرین برای عزاداری و مجالس عزاداری شناخته می‌شود. در ابتدای به‌کارگیری این واژه، همین مفهوم عام و گسترده داشته است؛ اما با توجه به اینکه هر پدیده اجتماعی به مرور زمان با تحول و تکامل در حوزه‌های فرهنگ، آداب و رسوم و ... به همراه است،

هیئت نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در طول زمان، این نهاد با سیر تکاملی خود، به صورت منسجم و شکل امروزی به عنوان یک نهاد اجتماعی درآمده است.

۱,۱. تعریف لغوی هیئت

هیئت در اصل واژه‌ای است عربی از ریشه (ه-ی-ئ) که در مفردات راغب آمده: «هیئه، حالتی است که هر چیزی بر آن قرار دارد چه محسوس باشد و چه معقول و درک شدنی» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۳۸) استعمال واژه هیئت در زبان فارسی به این معانی آمده است: «شکل، پیکر، وضع، صورت ظاهر» (معین، ۱۳۷۵، ج ۴: ۵۲۲۸)، «کیفیت و شکل و صورت چیزی، عده و دسته ای از مردم» (عمید، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۹۱۶) و «شکل، ساختار، صورت ظاهری هر چیز یا هرکس که معمولاً ناشی از طرز قرار گرفتن اجزا یا اعضای اوست؛ گروهی از افراد که هدف، عملکرد، یا وظیفه ای یکسان و معین بر عهده دارند؛ گروهی که در ایام عزاداری، به ویژه در ماه محرم به عزاداری می‌پردازند؛ محفل عزاداران». (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸: ۸۴۷۷) چنانچه ملاحظه می‌گردد معنای خاص هیئت که نوعی تشکّل مردمی برای عزاداری امام حسین علیه‌السلام باشد، در معنای لغوی این واژه در فرهنگ لغات جدید نیز آورده شده است.

۱,۲. تعریف اصطلاحی هیئت

صحبت از پدیده‌های انسانی و پژوهش درباره آن، نیازمند تعریف دقیق و بررسی کامل است؛ حال که پژوهش حاضر، بر سر پدیده‌های است که به تعبیر جامعه‌شناسانی همچون دورکیم از مناسک مهم دینی است و «از مهمترین پدیده‌های اجتماعی و موضوعات مهم جامعه و فرهنگ ایرانی محسوب میشود»، (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶) اهمیت آن را دوچندان میکند. متأسفانه تاکنون در محافل حوزوی و دانشگاهی، آنچنان که باید، به این موضوع پرداخته نشده است و همین، عامل برخی تحریفها، بدعتها و غلوها شده است؛ هرچند با وجود علمای دین، جلو بسیاری از این آسیبها گرفته شده است و درصد این آسیبها را کاهش داده است. از طرف دیگر «با وجود پیوند بسیار قوی هیئتها با توده مردم، این مراسم مذهبی هنوز در افکار عمومی جامعه، صرفاً به عنوان یک گروه و تجمع دینی با کارکردهای بسیار ابتدایی آن از جمله کسب ثواب و اجر الهی، تقرّب

معنوی، برآورده شدن حاجات مستمعین و اقامه عزای اهل بیت و سیدالشهدا علیه‌السلام مطرح است. اگر چه این موارد، جزء کارکردهای اساسی و لاینفک هیئت به شمار می‌روند». (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۷) فلذا؛ برای روشنتر شدن بحث، ابتدا به تعاریف موجود درباره هیئت پرداخته و سپس تعریف برگزیده ارائه می‌گردد.

۱,۲,۱. تعاریف موجود

هیئتهای عزاداری بنابر تعاریف موجود عبارتست از: «نوعی تشکل مذهبی بر محور عزاداری برای سیدالشهدا و ائمه علیهم‌السلام است که توسط مجموعه‌هایی از مردم هر محله، در شهرها یا روستاها، برای سوگواری و روضه‌خوانی نسبت به امام حسین علیه‌السلام به‌ویژه در ایام عاشورا تشکیل می‌یابد و هر کدام از این هیئتها، نام خاص، پرچم و علامت ویژه دارد». (محدثی، ۱۳۷۴: ۴۷۲) همچنین؛ در تعریف هیئت گفته‌اند: «هیئت، یک گروه اجتماعی با سابقه تاریخی مشخص و تجمعی از افرادی است که برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره یک مناسبت مذهبی (اعیاد مذهبی، ایام ولادت و شهادت ائمه علیهم‌السلام) با محوریت واقعه عاشورا و قیام امام حسین علیه‌السلام و بر اساس ساختار دوگانه واعظ/ ذاکر تشکیل میشود و اعضا از طریق روشهای معمول و آدابی مشخص سوگواری یا شادمانی میکنند. شرکت در آن نیز اختیاری و بر اساس باور درونی است». (مظاهری، ۱۳۸۷: ۲۷۵) که شبیه این تعریف نیز در جای دیگر آمده است؛ بدین مضمون که «هیئتهای مذهبی، گروههای اجتماعی با سابقه تاریخی مشخص و تجمعی از افراد است که برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره یک مناسبت مذهبی خاص اعم از شادی یا سوگواری تشکیل میشود». (فرجی، ۱۳۹۲: ۸) آنچه ذکر گردید، عمده تعاریفی بود که نگارندگان با جستجو و کنکاش در کتب، پایاننامهها، مقالات و حتی سایتها بدان رسیده بودند.

لیکن در مورد این تعاریف باید گفت هرچند برخی از این تعاریف، متضمن بخشهایی از معنا و ماهیت یک هیئت مذهبی است، اما تعاریف موجود؛ نتوانسته ماهیت واقعی هیئت را به طور جامع و مانع، آنگونه که هست و باید باشد را به مخاطب ارائه دهد. به عنوان مثال؛ در برخی تعاریف، هیئت صرفاً به برگزاری یک مراسم دینی در مناسبت‌های شادی یا سوگواری محدود شده و از کارکردهای اجتماعی، سیاسی و ...

آن غفلت شده است. همچنین برخی از این تعاریف، هیئت را به مثابه گروهی اجتماعی تلقی کرده و چهار ویژگی یک گروه اجتماعی را اعم از هدف مشترک (زنده نگه داشتن یاد واقعه یا اعتقاد یا شخصیت دینی)، فعالیت مشترک (عزاداری یا شادمانی)، کنش متقابل (تعامل مداح و حاضران در مجلس با هم) و احساس تعلق خاطر (عضویت در هیئت، تقسیم کار و ...) برای آن شناسایی کرده است؛ (مظاهری، ۱۳۸۷: ۲۷۶) حال آنکه این رویکرد، هر چند ممکن است درست باشد، اما نمی‌توان آن را به مثابه یک رویکرد جامع برای هیئت در نظر گرفت؛ چرا که هیئت‌های مذهبی را می‌توان با پیشینه، مقبولیت عمومی و کارکردهای مهمی که دارد، یک نهاد اجتماعی (۱) تلقی کرد. لذا؛ «نهادها ابزار ایفای نقش گروه‌های اجتماعی هستند و گروه‌ها، نظام ارزشی و رفتاری خود را در قالب نهادهای اجتماعی شکل می‌دهند». (کریمی، ۱۳۸۸: ۵۳) با این اوصاف، تعریف هیئت در بادی امر، ممکن است امری ساده به نظر برسد، اما توجه همه‌جانبه به تمامی ظرفیت‌ها و کارکردهای آن، تعریف از این نهاد اجتماعی را سخت می‌کند.

۱,۲,۲. تعریف برگزیده

بنابر آنچه گفته شد، باید در تعریف هیئت گفت: هیئت؛ اجتماع مؤمنانه‌ای اصیل و مؤثر است که با بهره‌گیری از فرصت شعور و شور حسینی، به امر خود معصومین علیهم‌السلام باید در جهت قرب الهی و احیاء امر ایشان حرکت نموده؛ و مأمّن و مأوایی برای گردهم‌آمدن مؤمنین باشد که به واسطه آن علاوه بر برکات معنوی، به رفع نیازهای آن‌ها نیز پرداخته شود.

۲. پیشگیری از جرم

مفهوم پیشگیری از جرم در ادبیات جرم‌شناختی و در هر پژوهشی، بسته به رویکرد نگارنده آن نسبت به آن مفاهیم است؛ فلذا لازم است در ابتدا مقصود نگارندگان از پیشگیری و جرم تبیین گردد و سپس به کارکرد نظارت اجتماعی هیئت‌های مذهبی در زمینه پیشگیری از جرم پرداخت.

۲,۱,۱. مفهوم پیشگیری

پیشگیری از لحاظ لغوی، معنایی روشن و پرکاربرد است. در فرهنگ‌های لغت، پیشگیری به معانی «جلوگیری، دفع؛ صیانت و حفظ صحت» (معین، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷۱۹)، «جلوگیری کردن، از پیش مانع شدن» (دهخدا، ۱۳۳۷: ۷۳۳) و «مانع شدن از وقوع چیزی در آینده» (انوری، ۱۳۸۱: ۱۵۱۷) آمده است. اما معنای اصطلاحی پیشگیری، که مربوط به جرم‌شناسی کاربردی (جرم‌شناسی پیشگیرانه) است، بنابر تحلیل و تعریفی که جرم‌شناسان ارائه داده‌اند، دو مفهوم موسّع و مضیق است.

۲,۱,۱. مفهوم موسّع

در تعریف موسّع از پیشگیری، هر گونه اقدام کیفری و غیرکیفری که به نحوی در مقابله با جرم و با هدف کاهش ارتکاب جرم صورت گیرد، در مفهوم پیشگیری می‌گنجد. با این اوصاف، اقداماتی که مجموعه نهادهای عدالت کیفری (اعم از پلیس و ضابطان دادگستری)، دستگاه قضایی و اجرای احکام کیفری انجام می‌دهند، اقدامات پیشگیرانه محسوب می‌شود. «کاربرد مفهوم پیشگیری، در این مفهوم وسیع به بکار یا بر می‌گردد با جمله معروف: "پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفر دادن است"». (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰) ایرادهایی که به مفهوم موسّع پیشگیری وارد است این است که اولاً: «اقداماتی را که دستگاه کیفری و جامعه پس از وقوع جرم در جهت کشف جرم، دستگیری و محاکمه مجرمان و اعمال مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی بر مجرمین اعمال می‌کند، را نمی‌توان پیشگیری به معنای خاص کلمه دانست، همانطور که در مدل پزشکی، تجویز دارو برای بیمار را نمی‌توان پیشگیری تلقی نمود». (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۹) ثانیاً: پیشگیری و کیفر دو مقوله جدا و منفک از هم است. اساساً پیشگیری کیفری، در جرم‌شناسی پیشگیرانه مورد بحث قرار نمی‌گیرد، بلکه مورد مطالعه جرم‌شناسی حقوقی است.

۲,۱,۲. مفهوم مضیق

نگاه دقیق‌تر به مفهوم کلمه پیشگیری، معنای اصلی پیشگیری را متبادر می‌کند. منطقیاً پیشگیری اقدامی فعالانه و حاصل بررسی روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها و سپس آن‌گونه مداخله‌ای در علل است که مانع تحقق معلول گردد؛ لذا پیشگیری در مفهوم

مضیق واجد این خصوصیات است: ۱. آگاهانه و هدفمند بودن، ۲. فعالانه و کنشی بودن، ۳. تقدم بر وقوع جرم و ۴. هدف آن مربوط به کل جامعه یا بخشی از آن باشد. (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲) با این اوصاف، هدف پیشگیری از جرم، غیرممکن‌سازی، دشوارسازی و تقلیل در ارتکاب جرم است و شامل اقداماتی می‌شود که جنبه کنشی داشته و دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و وضعی بوده و به منظور جامعه پذیر کردن و قانون‌گرا کردن و یا حفاظت از آماج جرم اعمال می‌شود. (شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۸۸: ۸۷) در این زمینه ریمون گسن در تعریف پیشگیری می‌گوید: «پیشگیری شامل مجموعه تدابیر سیاست جنایی به استثناء تدابیر نظام کیفری می‌شود که غایت انحصاری یا لاقلاً جزئی از آن، تحدید امکان وقوع اقدامات مجرمانه از طریق غیرممکن‌کردن، دشوارکردن یا کمتر محتمل‌نمودن آنهاست» (ایران‌شاهی، ۱۳۸۹: ۲۴)؛ به علاوه تعریفی که در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ صورت گرفته نیز، همین معنای مضیق پیشگیری را مدنظر قرار داده است. در ماده ۱ این قانون آمده است: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن».

۲.۲. مفهوم جرم

جرم و انحراف، هر دو از اصطلاحاتی هستند که در عرف، به یک معنا به کار برده می‌شود و می‌توان این دو واژه را از منظر علوم مختلف همچون حقوق، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی نیز بررسی کرد، اما مورد مطالعه این پژوهش جرم و انحراف در علم جرم‌شناسی است. در این علم، برای واژه جرم دو معنای موسّع و مضیق قابل تصور است. این واژه در معنای مضیق خود که معنای حقوقی آن نیز هست، در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین تعریف شده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». و شاخصه آن، دخالت نهادهای حکومتی (قوه قضاییه)، آن هم به صورت کیفری و سرکوب‌گرایانه است که از آن به مجازات نام برده می‌شود. فلذا؛ جرم در مفهوم مضیق به هر رفتاری که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده، تلقی می‌شود.

اما جرم به معنای موسّع آن، به رفتارهایی اطلاق می‌شود که خلاف هنجار جامعه باشد؛ حال برخی از هنجارها ریشه در عرف و عادت دارند، برخی دیگر مبتنی بر توافق اجتماعی است که از آن به قانون تعبیر می‌شود و نوع قوی-تر از هنجارها، از دین، اعتقادات و اخلاق سرچشمه می‌گیرد. هنجارشکنی (جرم به معنای موسّع) را می‌توان بر اساس نتیجه آن، به انحراف یا کجروی؛ همچون مصرف الکل، اعتیاد به مواد مخدر و ... و جرم (به معنای مضیق) همچون سرقت، کلاهبرداری، تجاوز و ... تقسیم کرد. در واقع می‌توان گفت جرم به معنای مضیق، نقض مهم‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید جامعه است که جامعه برای آن پاسخ کیفری در نظر گرفته است؛ اما انحراف، «شکستن هنجارهای کم‌اهمیت‌تر و عرفی جامعه است و جامعه آستانه تحمل بالاتری در موارد نقض آن‌ها دارد، ولی از آنجا که امکان تبدیل رفتار انحرافی به جرم بسیار زیاد است، جوامع تلاش دارند تا با پاسخ به انحراف و کنترل و اصلاح آن، خطر تبدیل منحرفان به مجرمان را به حداقل برسانند». (محمدنسل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷) علاوه بر جرم و انحراف، نوع دیگری از معضل اجتماعی وجود دارد که موضوع علم جامعه‌شناسی جنایی است؛ اما از آن جهت که می‌تواند منجر به افزایش ارتکاب جرم شود و عامل جرم‌زایی باشد، در پیشگیری از جرم مطرح است. آن معضل، آسیب‌های اجتماعی است که بستر مناسبی برای ظهور و گسترش جرم و انحراف همچون بیکاری، تورم، طلاق و ... فراهم می‌کنند؛ حال با توجه به تبیین جرم به معنای مضیق آن، انحراف و آسیب‌های اجتماعی، باید گفت که جرم به معنای موسّع، شامل هر سه مورد فوق می‌باشد.

ناگفته نماند در ادبیات دینی و شرعی شریعت اسلام نیز هنجارهایی وضع شده است که رفتارهای ناقض این هنجار، گناه محسوب می‌شوند که در منابع دینی از آن به تعبیر مختلفی همچون ذنب، اثم، سیئه، معصیت، فاحشه و از جمله، جرم نام برده شده است. «در نظام هنجاری اسلامی، ضمانت اجرای الزامات شرعی عبارتست از: الف) ایمان و تقوای شهروندان باورمند و خوف و رجای آنان به عقاب و ثواب اخروی و ب) مجازات‌های دنیوی پیش‌بینی شده برای هنجارشکنی در بخشی از این اقدامات». (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۲) حال نسبت این گناه‌ها با جرم به معنای موسّع و مضیق آن بدین نحو است که در صورتی که این رفتارها توسط شارع دارای ضمانت اجرای دنیوی و

مجازات باشد (مورد ب)، این رفتارها جرم به معنای قانونی و مضیق آن محسوب می‌شود و موارد دیگر که ضمانت اجرای دنیوی و مجازات برای آن در نظر گرفته نشده، (مورد الف)، در زمره جرم به معنای موسّع آورده می‌شود که از آن به انحراف تعبیر می‌شود. در این زمینه هر جا سخن از پیشگیری از جرم به میان آمد، مراد نگارندگان جرم به معنای موسّع آن بوده تا ضمن در بردارندگی جرم به معنای مضیق آن (گناه‌هایی که دارای ضمانت اجرای دنیوی است)، دیگر موضوعات پیشگیری که انحراف و آسیب‌های اجتماعی است (گناه‌هایی که ضمانت اجرای دنیوی ندارد) نیز داخل در پژوهش باشد.

۳. نظارت اجتماعی

نظارت که در معنای لغوی خود، به معنای «نظر کردن و نگرستن، مراقبت و در تحت نظر داشتن کاری و ...» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۹۴۶) می‌باشد؛ زمانی که صفت اجتماعی به آن اضافه شود، به مفهومی مصطلح در علم جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی تبدیل می‌شود که پس از فرایند اجتماعی شدن در افراد به وجود می‌آید. در علم جامعه‌شناسی؛ نظارت (کنترل) اجتماعی، «به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود». (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۵۳) فلذا؛ «هرگاه نظارت اجتماعی در عمل تحقق پیدا کند، رفتار فرد با نوع رفتار مورد انتظار هماهنگ می‌شود». (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۵۳) لیکن در علم جرم‌شناسی؛ فرایند نظارت (کنترل) به دو گونه متصور است: یا فرایندی درونی داشته که از آن به نظریه خودکنترلی یا کفّ نفس تعبیر می‌شود؛ و یا فرایند خارجی و بیرونی، فرد را تحت نظارت و کنترل قرار می‌دهد که از آن به نظارت اجتماعی تعبیر می‌شود.

نظارت اجتماعی؛ که از طریق عوامل بیرونی اعمال می‌گردد، می‌تواند به صورت رسمی و یا غیر رسمی محقق گردد. نظارت اجتماعی غیررسمی، بنابر اندیشه متفکرین مغرب‌زمین، غالباً یکی از کارکردهای گروه‌های نخستین (خانواده، گروه همسالان، گروه همکاران، یا گروه‌های اجتماعی دیگر) است که طیف وسیعی از مکانیسم‌های غیررسمی همچون تمسخر، خندیدن، استهزاء، طرد و ... به این گروه بر می‌گردد؛ اما نظارت اجتماعی رسمی می‌تواند به وسیله بسیاری از نهادها و سازمان‌ها و مؤسسات

مختلف دولتی در جامعه صورت گیرد که مکانیسم‌هایی همچون زندان، جریمه، آزادی مشروط و ... در زمره این نوع نظارت به حساب می‌آید.

لازم به ذکر است شریعت اسلام، افزون بر آن‌که نظارت اجتماعی رسمی و غیر رسمی گفته شده در فوق را تأیید می‌کند؛ به نقش "عموم مردم" اهمیت ویژه داده و آن را به عنوان دو فرع از فروع دین اسلام، تحت عنوان "امر به معروف" و "نهی از منکر" آمده است. «یکی از راهبردهای اساسی سیاست جنایی اسلام در مقابله با جرایم و انحرافات و پیشگیری از وقوع آنها، امر به معروف و نهی از منکر است؛ و از مهمترین برنامه‌ها و تدابیری [محسوب می‌شود] که اسلام برای مشارکت عمومی مردم در امر پیشگیری از جرم، بر اساس اندیشه کنترل اجتماعی و نظارت افراد در سطح جامعه نسبت به عملکرد یکدیگر در جهت رعایت هنجارها تدارک دیده است». (کوهی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۱۰) بر اساس این راهبرد ابتکاری اسلام (۳)، همه مسلمانان، در برابر عملکرد یکدیگر مسئول شناخته شده و باید طبق شرایط و ضوابط معینی، همدیگر را به رفتار به‌هنجار و منطبق با اصول و ارزش‌ها، توصیه؛ و از رفتارهای نابه‌هنجار و ضد ارزش، نهی نمایند.

در میان صاحب‌نظران جرم‌شناسی که به این موضوع یعنی نظارت اجتماعی پرداخته‌اند؛ می‌توان از تراویس هیرشی نام برد که در تحقیقات خود، نوعی الگوی کنترل ارائه داده است. در این الگو؛ «هیرشی از یک سو خود را متأثر از تحلیل دورکیم می‌بیند که مدعی است کج‌روی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است. اما از سوی دیگر بر خلاف نظر دورکیم، انسان را به خودی خود، متکی و پایبند به اصول اخلاق و مانند آن نمی‌داند». (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۳۹۱) لذا فرض را بر قطعی بودن تحقق جرم و کج‌روی در جامعه می‌گذارد و رفتار افراد را رفتاری ضد اجتماعی تلقی می‌کند مگر آن‌که دیگران، آن‌ها را در جهت ترک آن هدایت کنند.

«نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خود می‌گیرد، آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن، بستگی محکمی با هم نداشته باشند». (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۳۹۱) وی در این خصوص به چهار

عنصر پیونددهنده میان افراد با یکدیگر؛ یعنی دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور اشاره کرده که وجود هر کدام از آن‌ها، زمینه‌ساز رفتار به‌هنجار در فرد تلقی می‌شود.

۴. نظارت اجتماعی در هیئت‌های مذهبی

هیئت‌های مذهبی، به عنوان یک نهاد اجتماعی و مردمی؛ عناصر و ارکان مختلفی دارد که اصلی‌ترین و اساسی‌ترین رکن آن، "مدیریت هیئت" می‌باشد. مدیر هیئت باید با بهره‌گیری از "تشکیلات" هیئت، "نظام خادمی" ایجاد کرده؛ و ضمن اینکه نیازها و ضروریات هیئت را شناسایی می‌کند، با رشد و ارتقاء خدام و نظارت بر عملکرد هیئت، از انحرافات احتمالی پیشگیری کرده و هیئت را در مسیر اصلی خود نگه دارد. برای نیل به این مقصود لازم است هیئت‌ها برای خود چشم‌انداز، بیانیه مأموریت و اهدافی ترسیم نموده تا هم برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را طبق آن طرح‌ریزی، و از انحراف احتمالی (موضوعی، برنامه‌ای و ...) پیشگیری کنند؛ و هم موضوعاتی که در سخنرانی و مداحی بدان پرداخته می‌شود، در صدد پیشبرد آن، و ناظر به نیازها و ضروریات باشد.

چنانچه آمد؛ هیئت‌های مذهبی، کارکردهای فراوانی دارد و نباید آن‌را فقط به سخنرانی و مداحی که بسیار ارزشمند هستند محدود نمود، بلکه این نهاد اجتماعی باید نسبت به هم‌نوعان و اقشار مختلف مردم (از خدام هیئت گرفته تا دیگر اقشار) نیز احساس مسئولیت نموده و نسبت به هر کدام، برنامه‌های مختلفی در نظر داشته باشد. بدین ترتیب مدیر هیئت، باید یکی از اصلی‌ترین کارکردهای هیئت را "خدمات اجتماعی" نسبت به هم‌نوعان تلقی کرده و ضمن رشد و ارتقاء خدام هیئت، نسبت به محرومین و مستضعفین، قشر آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، قشر مستعد و ... نیز احساس مسئولیت نماید و با طراحی قالب‌های مختلف نظیر اردوهای جهادی، جمع‌آوری کمک‌های مالی، برنامه‌های حمایتی، دوره‌های آموزشی تربیتی و ... به این مهم در هیئت پردازد.

حال؛ با توجه به اینکه هیئت‌های مذهبی، یک مکانیسم غیررسمی نظارت اجتماعی محسوب می‌شوند، با مخاطب قرار دادن خدام و قشر مستعد (مقصود، نسل جوانی است که به عنوان مخاطب در برنامه‌های هیئت شرکت می‌کنند)، هیئت‌های مذهبی را به مثابه یک "نهاد" تلقی کرده و در آن به مباحثی که مربوط به نفس تشکیلات می‌شود،

می‌پردازیم. ناگفته نماند که عده‌ای بر اساس آموزه‌های جامعه‌شناختی، هیئت‌های مذهبی را محدود به یک گروه اجتماعی می‌دانند، حال آنکه به عقیده نگارندگان می‌توان آن‌را بر اساس همان آموزه‌ها، به عنوان یک نهاد اجتماعی قلمداد کرده و شش ویژگی‌ای که برای یک نهاد اجتماعی بر می‌شمرند را به هیئت نیز تسری داد که در سابق توضیح آن آمد؛ فلذا در اینجا هیئت‌های مذهبی را فراتر از یک مجلسی که در آن فقط سخنرانی و مداحی می‌شود، دانسته و آن‌را به مثابه یک نهاد تلقی می‌کنیم.

۴.۱. مشارکت اجتماعی در هیئت و نقش پیشگیرانه آن

مشارکت اجتماعی که یکی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی (۴) در مطالعات جامعه‌شناسی می‌باشد؛ عبارت است از «شرکت فعالانه افراد جامعه در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمام شئون اجتماعی. در واقع، مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی اشاره دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و کشور خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم دخالت دارند». (محمدنسل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۳۸) و در تعبیری ساده‌تر؛ مشارکت یا درآمیختگی اجتماعی را می‌توان به «میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی» (کوهی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۴۹) معنا کرد.

مشارکت اجتماعی، از منظر جرم‌شناسی در نظریه نظارت (کنترل) اجتماعی هیرشی مورد بحث قرار گرفته است؛ وی سومین عنصر پیوند اجتماعی را مشارکت یا درگیربودن دانسته و در تبیین آن آورده است که «کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، معمولاً فرصت کمتر برای درگیرشدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال همین مشارکت فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند؛ به همین نحو آشکار است کسانی که در فعالیت‌های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری برای دست‌یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند». (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۳۹۲) از جمله بسترهای مهم تحقق عینی این امر، و اثرگذاری آن بر وضعیت مطلوب یا نامطلوب رفتار نوجوان، در «خانواده» قابل تصور است. «چنانچه خانواده بر اساس میزان توانایی‌های کودک مسئولیت‌های مثبتی را در دورن

خانواده به وی واگذار کند و اوقات فراغت وی را با برنامه‌های آموزنده، مفرح و جذاب پر کند، کودک و نوجوان مجالی برای بطالت و یا گذراندن نامناسب اوقات فراغت و همنشینی با همسالان نابهنجار پیدا نخواهد کرد». (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ۲۴۹) از همین رو "غنی‌سازی اوقات فراغت" و "اشتغال" به فعالیت؛ به ویژه برای نسل جوان، اهمیت دوچندان یافته و دست‌اندرکاران عرصه پیشگیری از جرم بدان می‌پردازند.

اوقات فراغت، یکی از موضوعاتی است که هم در قرآن کریم (۵) و هم در روایات معصومین علیهم‌السلام از آن سخن به میان آمده است؛ به عنوان نمونه امیر بیان، حضرت علی علیه‌السلام در ذکر توصیفات مؤمن، یکی از اوصاف وی را در پر بودن اوقات فراغت مؤمن و بیکار نبودن آن دانسته‌اند. (۶) در این راستا؛ آن حضرت به موالیان خود سفارش می‌کند که بکوشید که زمان شما چهار بخش باشد: بخشی برای مناجات خداوند؛ بخش دیگر برای کار و تلاش و امر معاش؛ بخش دیگر برای همنشینی با برادران دینی مورد اعتماد که شما را با عیوبتان آشنا می‌کنند و با خلوص به شما تذکر می‌دهند؛ و بخش دیگر را برای بهره‌مندی از لذات و تفریحات سالم در نظر بگیرید، چرا که با آن (بخش چهارم) است که می‌توانید از سه بخش سابق بهره‌گیرید. (۷) بدین ترتیب؛ گذراندن اوقات فراغت را می‌توان مجموعه فعالیت‌هایی دانست که «شخص به میل و انگیزه درونی خود؛ خواه برای استراحت و سلامتی، خواه برای تفریح و بازی، خواه برای گسترش اعتقادات، دانش و ذوق یا مشارکت آزاد اجتماعی و یا بروز خلاقیت و توانایی در زمانی فارغ از تعهدات و الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی مثل تحصیل یا سربازی انجام می‌دهد». (مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶: ۶۸) اوقات فراغت و غنی‌سازی آن؛ در آموزه‌های جرم‌شناسی، به عنوان یکی از راهبردهای پیشگیرانه جهت کاهش عوامل خطر محسوب می‌شود که از بین نهادهای اجتماعی، خانواده‌ها، رسانه و قانون‌ها و هیئت‌های مذهبی نقش ویژه‌ای در این امر دارند.

لازم به ذکر است نهادهای اجتماعی مختلف، این راهبرد را مدنظر قرار داده و برنامه‌هایی خاص این امر لحاظ کرده‌اند. به عنوان مثال؛ در برنامه‌های رشدمدارانه ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان؛ برنامه‌ای تحت عنوان "برنامه پس از مدرسه" طرح‌ریزی

شده است که به موجب آن «پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و اشتغال آنان در فعالیت‌های مثبت، فرصت‌گرایش به سمت رفتارهای نابه‌هنجار و همنشینی با همسالان ناهمنوا را از آنان سلب می‌کند. بر این اساس برنامه‌هایی با عنوان پس از مدرسه طراحی شده است تا از طریق دخیل کردن نوجوانان در طیفی از فعالیت‌های مثبت از جمله آموزش‌های حرفه‌ای، کارآفرینی، بازپروری و آموزش‌های هنری متناسب با علاقه و سن آن‌ها، احتمال ورود نوجوانان در معرض خطر به بزهکاری را کاهش دهند. این برنامه‌ها، علاوه بر جلوگیری از گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری، فرصتی برای تجربه بودن در کنار بزرگسالان و مشارکت در یک فعالیت جمعی را فراهم می‌کند.» (مهدوی، ۱۳۹۰: ۶۱۷) بنابراین؛ با اهمیتی که غنی‌سازی اوقات فراغت دارد، باید مهندسی فرهنگی‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی صورت گیرد و با اقداماتی همچون گسترده‌کردن و فراهم‌نمودن اماکن تفریحی و ورزشی، فعال‌کردن توان‌نهادهای اجتماعی و مردمی از جمله خانواده، هیئت‌ها، مساجد و ...، فرصت ارتکاب جرم را از افراد گرفت.

هیئت‌های مذهبی را از آن جهت که متشکل از مجموعه‌ای از افراد است، می‌توان جامعه‌ای کوچک دانست که افراد در آن تحت عنوان "خادم هیئت"، با فعالیت ارادی، در امور و شئون مختلف آن شرکت فعالانه داشته؛ و با ایفای نقش‌ها و فعالیت‌های خاص و پذیرش مسئولیت‌های گوناگون، ضمن پیشبرد هیئت جهت نیل به اهداف خود، به مشارکت اجتماعی در هیئت نیز می‌پردازد. از این جهت؛ با اجرای نظام خادمی در هیئت، هم فرایندی برای انتقال تجربه‌ها و دریافت سبک زندگی صحیح از هم‌نوعان و بزرگسالان ایجاد می‌شود؛ و هم بستری به وجود می‌آید تا در آن، خدّام هیئت، آموزش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای لازم را که ناظر به مسئولیت‌ها و نقش‌های ارادی‌شان است، فراگرفته و با ایفای آن نقش‌ها، در آن عرصه توانمند شوند. در این مسیر؛ خدّام هیئت ضمن آن‌که مهارت‌های حرفه‌ای ناظر به مسئولیت‌شان (از قبیل مهارت‌های هنری همچون فعالیت‌های رسانه‌ای، صوت، نورپردازی، تصویربرداری و ...) را فراگرفته و تجربه می‌کنند، دیگر مهارت‌های اجتماعی نیز همچون مهارت تصمیم‌گیری، مهارت برقراری ارتباط، مهارت حل مسئله و ... نیز در عرصه نظر و عمل، به آن‌ها آموخته شده و با عملیاتی‌سازی آن در هیئت، کسب تجربه نموده که بازخوردها و کارکردهایی

همچون احساس خودارزشمندی، عزت نفس، تقویت خوش‌بینی به خود و ... نیز در آن‌ها ایجاد و تقویت می‌شود. لذا از این جهت نیز می‌توان هیئت را نهادی تلقی کرد که نقش مهمی در غنی‌سازی اوقات فراغت داشته و بدین‌وسیله زمینه رفتار نابه‌هنجار در افراد را به حداقل و صفر می‌رساند.

۴,۲. نفوذ و تأثیر اجتماعی در هیئت و نقش پیشگیرانه آن

نفوذ و یا تأثیر اجتماعی؛ یکی از موضوعات مطرح در روان‌شناسی اجتماعی است که در صدد تبیین چگونگی تغییر رفتار افراد در حضور دیگران می‌باشد. بوردن و دیویس در پاسخ به مسائلی همچون؛ حضور دیگران چگونه رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ و یا آگاهی از وجود تماشاچیان چگونه رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ با انجام تحقیقات میدانی گوناگون، به این نتیجه رسیده‌اند که «بسیاری از مردم در حضور یک عده تماشاگر، احساس اضطراب و ترس می‌کنند، به عنوان مثال یک تحقیق در مورد ترس در مردم نشان داد که سخن‌گفتن در برابر جمع، بیشتر از مکان‌های بلند و [یا] تاریک در آن‌ها ایجاد ترس می‌کند؛ اما [در عین حال] در بعضی موارد حضور تماشاچیان می‌تواند به ما انرژی اضافی بدهد. به عنوان مثال ورزشکاران گزارش می‌دهند که در یک استادیوم پر از جمعیت بهتر عمل می‌کنند تا در یک استادیوم خالی». (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۴) حال باید به این سؤال پاسخ داد که «این تفاوت‌ها چگونه توجیه می‌شوند؟»

نظریه‌ای که نقش تماشاچیان بر رفتار افراد را توضیح داده است، نظریه تأثیر اجتماعی می‌گویند. جهت پاسخ به سؤال فوق مبنی بر چگونگی توجیه‌پذیری تفاوت‌ها و تأثیر و نفوذ تماشاچیان؛ لاتانه سه عامل اصلی معرفی کرده است. «تعداد افراد تماشاچی، تماشاچیان و نیرومندی افراد تماشاچی» (کریمی، ۱۳۸۴، ۶۴) که در توصیف این عوامل، قیاس لامپ روشنایی را به کار می‌برد. «همانگونه که مقدار نور تابیده‌شده روی یک سطح بستگی به تعداد لامپ‌ها، فاصله آن‌ها از سطح مزبور و مقدار وات لامپ‌ها دارد، همانگونه نیز تأثیر اجتماعی برآیندی است از تعداد، نزدیکی و نیرومندی». (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۴) حال با توجه به تأثیر تماشاچیان بر عملکرد فرد، باید به این نکته اشاره کرد که این تأثیر، تأثیری انگیزشی بر عملکرد افراد است که در برخی

موارد سبب بالابردن عملکرد فرد می‌شود و در برخی موارد سبب کاهش دادن آن. در توجیه این نکته؛ نظریاتی ارائه شده است که این تناقض را مورد بررسی قرار می‌دهد، از جمله الگوی انگیزشی زایونک در آسان‌سازی اجتماعی (۸).

زایونک «با اتکاء به یک الگوی انگیزشی در یادگیری، اعلام کرد که حضور دیگران یک منبع انگیزش یا تهییج است. چنین تهییجی بدین علت روی می‌دهد که تماشاچیان می‌توانند غیرقابل پیش‌بینی باشند، و بدین ترتیب نوعی احساس عدم اطمینان در فرد ایجاد کنند. در مورد رفتارهایی که خوب آموخته شده باشند (پاسخ مسلط)، این سابق به افزایش سطح عملکرد وی منجر می‌شود؛ به عکس رفتارهایی که به خوبی آموخته نشده باشند، دچار تهییج افزایشی می‌شوند؛ زیرا پاسخ‌های خوب آموخته شده با عملکرد آن‌ها تداخل می‌کنند.» (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۶) که الگوی نموداری آن در نمودار ذیل آمده است.



نمودار ۱: الگوی انگیزشی زایونک در آسان‌سازی اجتماعی

هرچند در الگوی انگیزشی زایونک، توافق قابل ملاحظه‌ای بر تأثیر حضور تماشاگران بر عملکرد فرد وجود دارد؛ اما چرایی وجود این‌گونه تأثیرات اجتماعی به فقط این الگوی انگیزشی منحصر نمی‌شود و ممکن است دلایل دیگری برای این انگیزش وجود داشته باشد. به عنوان مثال؛ «کوترل معتقد است که حضور دیگران، یک منبع سابق "آموخته" است. به گفته وی، این حضور صرف دیگران نیست که سبب برانگیختگی می‌شود، بلکه انتظار قضاوتی است که شخص فکر می‌کند تماشاگران نسبت به عملکرد او خواهند داشت. بنابراین اگر از آزمودنی‌هایی بخواهیم در حضور تماشاچیان با چشم‌های بسته عملی انجام دهند، آنان باید انگیزش کمتری نشان دهند تا وقتی در حضور تماشاچیان با چشم‌های باز عمل می‌کنند.» (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۷)

محققان دیگر نیز عوامل مختلف دیگری نظیر حواس پرتی و ... را در انگیزختگی و عملکرد افراد مؤثر دانسته‌اند؛ لیکن باید این نکته را حائز اهمیت دانست که هرچند ممکن است برانگیزختگی، حاصل عوامل متنوعی باشد، اما هیچ عاملی به تنهایی بازگوکننده همه جوانب نیست؛ لذا نتیجه نهایی چنین می‌شود که «انگیزختگی، منجر به افزایش در سطح عملکرد پاسخ‌های خوب آموخته شده، و کاهش در سطح عملکرد پاسخ‌های خوب آموخته نشده خواهد شد.» (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۷) و این اثرات هم در پژوهش‌های میدانی و آزمایشگاه‌ها و هم در جهان واقعی مشاهده شده‌اند. حال که با تبیین نظریه آسان‌سازی اجتماعی، تفاوت رفتار افراد در حضور دیگران و تأثیر اجتماعی آنان توجیه و تبیین گردید، لازم است عوامل نفوذ و تأثیر اجتماعی شناسایی گردیده و نقش آنان در این امر را بررسی کرد.

عوامل نفوذ اجتماعی در نسل جوان، که در شکل‌گیری رفتار و هدایت آن به سمت مطلوب یا نامطلوب، بسیار اثرگذارند را می‌توان محیط‌های خانواده، مدرسه، همسالان و به عبارتی هر گروه و نهادی دانست که فرد در آن فعالیت کرده و به زندگی جمعی می‌پردازد. به عنوان مثال؛ «برنامه کمک‌درسی، میانجی‌گری، مساعدت، ایجاد شبکه‌های حمایتی، ایجاد باشگاه‌ها و نهادهایی برای فعالیت‌های اجتماعی و ...» (مه‌دوی، ۱۳۹۰، ۴۹۴) را می‌توان از جمله برنامه‌های تجربه‌شده در زمینه نفوذ اجتماعی گروه همسالان تلقی کرد. حال؛ آنچه موجب می‌شود که فرد ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری مورد قبول عامل نفوذ اجتماعی را بپذیرد و هم‌نوا با وی گردد؛ یکی تعلق و وابستگی به عامل نفوذ اجتماعی، و در موضوع بحث ما پیوند و وابستگی فرد به گروه است، و دیگری احساس تعهد و اهمیت قائل شدن برای عامل نفوذ است.

به عنوان مثال؛ تعلق و وابستگی به عامل نفوذ اجتماعی را می‌توان در این تمثیل دید که «اگر یک بزرگسال و یک همسال به نوجوان توصیه‌هایی در مورد قبح ارتباط با جنس مخالف ارائه کند، وی به دلیل احساس شرایط مشترک و درک متقابل، نظرات همسالان خود را با تفاهم بیشتری خواهد پذیرفت تا بزرگسالی که سن و احساس او از دوره نوجوانی فاصله گرفته است. بدیهی است که هر فرد توصیه کسی را که به وی اعتماد بیشتری دارد، بهتر خواهد پذیرفت. [لذا]؛ به دلیل وجوه جاذبه و اعتماد، واکنش نوجوان در برابر نفوذ اجتماعی گروه همسالان، اقناع؛ و نتیجه آن، هم‌نوايي خواهد بود.»

(مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۳۱-۳۳۲) و تمثیل ساده احساس تعهد و اهمیت قائل شدن برای عامل نفوذ را وضعیت دانش‌آموز درس‌خوان و منضبط نسبت به معلم دانست. «چنانچه دانش‌آموز مقام معلم را [به عنوان عامل نفوذ اجتماعی] ارزش‌مند و رفیع بداند و بر این اساس با تلاش و رعایت انضباط جایگاهی ارزشمند به عنوان دانش‌آموز ممتاز برای خود کسب کرده باشد، نسبت به حفظ این جایگاه در نظر معلم و در کلاس خواهد کوشید و از رفتاری که به جایگاه ارزش‌مند وی لطمه وارد کند، خودداری خواهد کرد. در حالی که اگر دانش‌آموزی اهمیتی برای جایگاه معلم و تعلیم و تربیت قائل نبوده و کسب موقعیت درسی نزد وی در نظرش فاقد اهمیت باشد، هرگونه بی‌انضباطی و یا اختلال تحصیلی در وی محتمل به نظر می‌رسد». (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۴۸)

یکی از عوامل نفوذ اجتماعی؛ که در شکل‌گیری رفتار نسل جوان و هدایت آن به سمت مطلوب، برای این نسل از جذابیت و گیرایی لازم برخوردار است، هیئت‌های مذهبی است؛ چرا که هیئت‌های مذهبی هم مأمونی است که نسل جوان همسالان و هم‌نوعان خود را در آنجا پیدا کرده و پیوند آن‌ها با یکدیگر مستحکم‌تر می‌گردد، و هم نهادی است که با هدایت و نظارت مدیران هیئت‌ها و بزرگسالان ارزش‌ها و اصول را رعایت نموده و آن‌ها را با بهره‌گیری از قالب‌های مختلف در آن‌ها نهادینه می‌کند. لذا؛ می‌توان مطابق با این رویکرد، هیئت را نهادی قلمداد کرد که افراد در آن، ضمن اینکه با یکدیگر تعامل داشته و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند، بین آن‌ها پیوندهای عاطفی نیز برقرار است که این امر گیرایی و جذابیت پذیرش الگوها، ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول عامل نفوذ اجتماعی را برای نسل جوان افزون می‌کند.

با توجه به آنچه آمد؛ می‌توان با توجه به اینکه "انگیختگی منجر به افزایش در سطح عملکرد پاسخ‌های خوب آموخته‌شده و کاهش در سطح عملکرد پاسخ‌های خوب آموخته‌نشده خواهد شد" به این استنباط رسید که در هر نهاد و گروهی و بالأخص هیئت‌های مذهبی، چنان‌چه رفتاری از فردی که خود را عضو گروهی می‌داند سر بزند، و آن رفتار با ارزش‌ها و هنجارهای آن گروه هم‌سنخ باشد، عملکرد وی تأیید و تقویت شده و بالعکس؛ چنان‌چه رفتار وی سنخیتی با ارزش‌ها و هنجارهای آن گروه نداشته باشد، از انگیزش و انگیختگی فرد کاسته می‌شود. بدین جهت؛ هیئت‌های مذهبی نیز به عنوان نهادی که از تشکیلات برخوردار می‌باشد، با هدایت و نظارت مدیر هیئت

و متصدیان امر تشکیلات، منطبق با ارزش‌ها، اصول و هنجارها بوده و می‌تواند در تأیید رفتارهای به‌هنجار و نفی رفتارهایی که آسیب اجتماعی و انحراف محسوب می‌شود، نقش مؤثری ایفا نماید. لازم به ذکر است جذب و دفع رفتارهای مطلوب و نامطلوب، در جامعه اسلامی نیز مورد بحث قرار گرفته است. انگیزش و انگیزندگی مثبت در جامعه دینی، به "امر به معروف"؛ و انگیزش و انگیزندگی منفی، به "نهی از منکر" تعبیر شده است.

نتیجه‌گیری

گفته شد که نظام کنترل و نظارت، جنبه درونی و بیرونی دارد که در این پژوهش، جنبه بیرونی آن یعنی نظارت و کنترل اجتماعی از حیث "نهاد" تلقی کردن آن، مورد بحث قرار گرفت و با در نظر گرفتن تشکیلات در هیئت و رکن سوم آن یعنی مدیر هیئت؛ به نقش هیئت‌های مذهبی و کارکردهای آن در پیشگیری از جرم اشاره شد. در این رویکرد ضمن اینکه محیط هیئت بر افراد و بالأخص خدام آن اثرگذار است، مایه مشارکت و درگیری خدام در هیئت نیز می‌باشد که هم در ایجاد مهارت‌های اجتماعی نظیر مهارت برقراری ارتباط، مهارت تصمیم‌گیری و ... مؤثر است و هم در اصلاح خصوصیات شخصیتی همچون تقویت عزت نفس، خودپنداره مثبت، خوش‌بینی و برای پیشگیری از جرم باید عوامل خطر و عوامل مقاومت‌زا را مورد توجه قرار داده و برنامه‌های پیشگیرانه را با "ابتنای بر اصول و ارزش‌های جامعه" و "اقتضای آن برنامه‌ها با شرایط بومی هر جامعه" طرح‌ریزی و اجرا کرد. همچنین؛ نظر به اینکه دولت‌ها و نهادهای دولتی به تنهایی نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید، برنامه‌ها و راهکارهای پیشگیرانه را عملیاتی و اجرایی سازند، لازم است تا نهادهای مردمی نیز در این امر مساهمت و مشاکت نمایند.

به تجربه و با مطالعات میدانی، اثبات شده است که راهکارهای دینی، همواره آثار چشمگیری در زمینه مهار و کنترل جرم داشته و توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و روانشناختی را به خود جلب کرده‌اند. از جمله محورهایی که می‌توان درباره آثار دین و راهکارهای دینی در زمینه پیشگیری از جرم و ایجاد و حفظ نظم اجتماعی برشمرد، نظارت اجتماعی نهادهای موجود در جامعه است که این محورها، حتی در اندیشه و

آثار غیر مسلمانان نیز نمایان است. هیئت‌های مذهبی، که یک نهاد قدرتمند اجتماعی در مذهب تشیع می‌باشد، در صورت التزام به اصول و ارزش‌ها، بستری جهت پیاده‌سازی پیام (محتوا) در افراد بوده که به تعبیری انسان‌سازی صورت پذیرد و پرداختن به این موضوع مجالی موسّع می‌خواهد. به علاوه؛ می‌توان بر مبنای کنترل اجتماعی نیز به این موضوع نگریست که هیئت‌های مذهبی با به‌کارگیری رکن سوم خود (مدیریت هیئت)، هدفی فراتر از انسان‌سازی؛ یعنی تقویت بنیان‌های جامعه (جامعه‌سازی) داشته که با آن زمینه پیاده‌سازی پیام (محتوا) در جامعه ایجاد گردیده و با بهره‌گیری از "تشکیلات هیئت"، سعی در فرهنگ‌سازی در جامعه دارد. فرصت نابی که در این قسمت، در دسترس این نهاد اجتماعی می‌باشد، "نظام خادمی" است. بدین ترتیب؛ هیئت‌های مذهبی می‌توانند با بهره‌گیری از تشکیلات و اجرای این نظام، دارای نفوذ و تأثیر

هدف غایی: جامعه‌سازی (زمینه‌سازی پیاده‌شدن پیام در جامعه)

پیشگیری از جرم

شیوه: پیاده‌سازی نظام خادمی در هیئت

در هیئت‌های

رویکرد: فرهنگ‌سازی در جامعه

مذهبی

(بر مبنای کنترل اجتماعی

فرصت ناب: بهره‌گیری از تشکیلات هیئت

به مثابه یک نهاد)

اجتماعی گردیده و در بهینه‌سازی اوقات فراغت بین آنها اثرگذار باشد.

نمودار ۲: نتیجه و حاصل پژوهش

بدین ترتیب؛ با توجه به اینکه مقابله با پدیده مجرمانه، نیازمند یدک‌کشی نام پیشگیری از جرم نیست و باید در عمل، با برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، به این هدف مهم رسید؛ هیئت‌های مذهبی می‌توانند با التزام به اصول و مبنای، رویکرد کنترل اجتماعی را در مخاطبان خود بالأخص نوجوانان و جوانان ایجاد نموده تا با پیاده‌سازی نظام خادمی در هیئت و رشد و تربیت افراد در جامعه، فضای جامعه نیز از گزند برخی انحرافات و آسیب‌ها، مصون بماند.

یادداشت‌ها

(۱). نهاد، اصطلاحی است که در علم جامعه‌شناسی و اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد که تبیین آن، خارج از منطق پژوهش است و آنچه مربوط به بحث کنونی است، نهاد اجتماعی است که در علم جامعه‌شناسی بدان پرداخته می‌شود و به معنای «نظامی نسبتاً پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه در بر می‌گیرد. نهادهای اجتماعی دارای شش ویژگی می‌باشند که عبارتند از: ۱. ارضای نیازهای اجتماعی معین؛ همچون تولید نسل و اجتماعی کردن کودک برای نهاد خانواده. ۲. متضمن ارزش‌های نهایی با مشارکت اعضا در آن؛ همچون مشارکت مردم از طریق انتخابات برای نهاد دولت. ۳. سنت و مرسوم شدن برخی از الگوهای ثابت رفتاری نهاد در فرهنگ جامعه؛ مثل ازدواج و تشکیل خانواده. ۴. عام و گسترده بودن نهاد؛ به نحوی که تغییر چشمگیر در آن، موجب تغییر در دیگر نهادها شود. ۵. سازمان یافته بودن نهاد علی‌رغم وابستگی تمامی نهادهای جامعه به هم. ۶. پذیرش آرمان‌های نهاد توسط بخش عظیمی از اعضای جامعه. (خلاصه شده از: کوئن، ۱۳۷۲: ۱۴۷-۱۴۹)

(۲). به عقیده جرم‌شناسان قدیم، علم جرم‌شناسی بر چهار پایه علت، انگیزه، شرط و عامل استوار است. (بنابر مقتضای بحث) عامل امری است که به نحوی منجر به گسترش جرایم یا کاهش آن‌ها می‌گردد و به دو دسته عوامل جرم‌زایی و عوامل بازدارنده تقسیم می‌شوند. عوامل جرم‌زا هم‌چون بیکاری، ناکامی، دوستان ناباب، طلاق، بیکاری، فشارهای اجتماعی و ... و عوامل بازدارنده هم‌چون ایمان و اعتقادات مذهبی، تربیت خانوادگی، اعتلای روحی و روانی، شخصیت و موقعیت اجتماعی و کنترل اجتماعی» (صلاحی، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۶).

(۳). بر اساس آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران، آیه ۱۱۰)؛ امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی‌های بارز جامعه اسلامی برشمرده شده که با آن، از سایر جوامع بشری متمایز می‌شود.

(۴). «سرمایه اجتماعی، عبارت است از تعاملات اجتماعی و نظام هدف‌مند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه، که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقول و ارتقاء حس

اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ جامعه و همبستگی در آن کمک می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی نوپا و دارای سه مؤلفه مهم "اعتماد اجتماعی"، "انسجام اجتماعی" و "مشارکت اجتماعی" است که خود هم معلول و هم گسترش‌دهنده این سه مؤلفه است». (محمدنسل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

(۵). «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (انشریح، آیه ۸ و ۷)

(۶). حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ ... مَشْغُولٌ وَقْتَهُ...» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳)

(۷). «اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِمُؤْمَرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَ يَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۰۸-۴۰۹)

(۸). نظریه آسان‌سازی اجتماعی، «اصطلاحی است که توسط فلویید آلپورت وضع گردید و به بهتر شدن عملکرد فرد به علت حضور افراد دیگر اطلاق می‌شود. (منظور از اثر، حضور صرف افراد دیگر است، نه تعامل بین یک شخص با تماشاچیان) و بالعکس اصطلاح بازداری اجتماعی به کاهش عملکرد فرد به علت حضور افراد دیگر اشاره دارد». (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۶)

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

احمدی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، بررسی جامعه شناختی رابطه سبک زندگی و هیئت‌های

مذهبی، تهران، نشریه علمی تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره ۸۳.

انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، تهران، سخن.

- ایرانشاهی، حمید (۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، تهران، جاودانه جنگل، ۱۳۸۹.
- جوان‌جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، سیروس.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۷۴ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، جلد ۱، تهران، مرتضوی.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شاطری‌پور اصفهانی، شهید (۱۳۸۸)، پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم در کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰ و کنوانسیون مریدا ۲۰۰۳، تهران، فصلنامه پیشگیری از جرم، شماره ۱۰.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، اشجع.
- فرجی، جهانگرد (۱۳۹۲)، پایان‌نامه بررسی کارکرد هیئت‌های مذهبی در پیشگیری از جرم، قم، دانشگاه قم.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴)، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، ارسباران.
- کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۸۶)، پایان‌نامه واکاوی آموزه‌های اسلامی در زمینه پیشگیری از بزهکاری (بر اساس مدل جرم‌شناسی)، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، توسلی، غلام‌عباس؛ فاضل، رضا، تهران، سمت.
- محدثی، جواد (۱۳۸۴)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- محمدنسل، غلامرضا؛ عسگری، یدالله؛ جعفری، مهدی؛ توکل‌پور، محمدهادی (۱۳۹۱)، راهنمای کارگاه علمی کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران، نشر میزان.

مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی
(۱۳۸۶)، خانواده؛ فرصت‌ها، فراغت‌ها و چالش‌ها، تهران، نشر آموزش کشاورزی.
مظاهری، محسن حسام (۱۳۸۷)، رسانه شیعه، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
_____، فرهنگ فارسی، ج ۴، تهران، امیرکبیر.
مهدوی، محمود (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)، تهران، سمت.